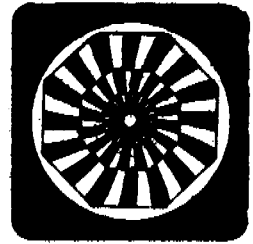


روزنه



سازمان ملل متحد و

مبارزه علیه خطر جنگ هسته ای

درست در همان روزی که کمیته سیاسی سازمان ملل متحد، در اجلاس اخیر خود، رای به توقف همه آزمایش های هسته ای داد، امریکا، انفجار هسته ای تازه ای را در صحرای نوادا آزمایش کرد. در کمیته دیگری که به مسأله کشاندن مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی مربوط می شد، امریکا تنها کشوری بود که با تسخیر مسالمت آمیز فضا مخالفت کرد. آن چه در زیر می خوانید، گزارش گونه ای است از تلاش سازمان ملل متحد در جهت مهار کردن مسابقه تسلیحاتی و، به خصوص، تسلیحات هسته ای. بخش عمده این آگاهی ها را از نشریه «اقتصاد جهانی و روابط بین المللی» (شماره ۹ سال ۱۹۸۶) برداشته ایم.

این بزرگترین سازمان بین المللی، در سال ۱۹۸۵ که چهلمین سال موجودیت خود را جشن می گرفت، سال ۱۹۸۶ را، سال بین المللی صلح اعلام کرد و از همه دولت ها خواست تا تلاش خود را، برای رسیدن به جهانی بدون جنگ شدت، بخشند. در بیانیه مربوط به اعلام سال بین المللی صلح، گفته می شود: «صلح، آرزوئی است همگانی و، مبارزه به خاطر صلح، هدف اصلی سازمان ملل متحد است.»

مبارزه علیه خطر جنگ هسته ای، به عنوان وظیفه تاریخی تمامی بشریت درآمده است. «در شرایط تقابل هسته ای، باید به دنبال روش ها، راه ها و شکل های تازه ای در رابطه بین سیستم های مختلف اجتماعی،

مسأله سرنوشت آینده ساکنان زمین و این که، آیا زندگی و پیشرفت، راه خود را ادامه می دهد و یا، در نتیجه یک فاجعه هسته ای، متوقف می شود، هر روز حادثه و نیرومندی تر از روز پیش، در برابر انسان سده بیستم خودنمایی می کنند. دیدگاه های متفاوتی که درباره دورنمای تکامل جهان وجود دارد، تضاد بین دو سیستم اجتماعی را — که خودبه خود هم بغرنج بود — در آستانه هزاره سوم میلادی و در شرایط دوران هسته ای، باز هم بیشتر گسترش داده است. طبیعی است که، این اوضاع، در فعالیت های سازمان ملل متحد هم — که تاریخ تشکیل آن کم و بیش با آغاز دوران هسته ای هم زمان است، نمی تواند منعکس نشود.

دولت‌ها و نظام‌های منطقه‌ای بود»، این امر، منجمله، به سازمان ملل متحد مربوط می‌شود که تقریباً تمامی دولت‌های سیاره‌خاکی را در خود جمع کرده است.

سازمان ملل متحد، در شرایط پیروزی بر فاشیسم — پس‌گراترین و غدارترین نیروی میلیتاریستی — در سال ۱۹۴۵ به وجود آمد. تجربه مبارزه مشترک علیه دشمن مشترک، ایجاب می‌کرد که، به آرمان قربانیان بی‌شمار جنگ (یعنی آرمان صلح) ارج گذاشته شود و اصولی برای روابط بین‌المللی تنظیم گردد که بتوان، بر اساس آن، مسأله همکاری دولت‌ها در تأمین صلح جهانی را تأمین کرد. سازمان ملل متحد را باید نمادی از آرزوی انسان‌ها، به داشتن زندگی آرام و صلح‌آمیز، دانست.

منشور سازمان ملل متحد، با این مقدمه آغاز می‌شود: «ما، خلق‌های ملت‌های متحد، تصمیم قطعی داریم تا، نسل آینده را، از بدبختی‌های ناشی جنگی نجات دهیم که، در طول زندگی ما، توانست دو بار بشریت را به اندوهی باورنکردنی دچار کند...». مفهوم عمیقی که در این جمله‌ها نهفته است، از امواج انسانی خیر می‌دهد که اراده کرده‌اند، لکنه جنگ و، قبل از همه، جنگ جهانی را، از زندگی جامعه انسانی پاک کنند. به این ترتیب، سازمان ملل متحد، با هدفی که در منشور خود اعلام کرده است، «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» را، جزو وظیفه‌های اصلی و درجه اول خود قرار می‌دهد. تجسم اراده ملت‌ها، در حفظ صلح، به عهده عمده‌ترین سازمان آن، یعنی شورای امنیت گذاشته شد که مسئولیت اصلی حفظ امنیت بین‌المللی را بردوش گرفت. در اساس نامه شورای امنیت، از دولت‌ها خواسته شده است که از هر عملی مغایر با

هدف‌های سازمان ملل متحد پرهیز کنند، از به کار بردن زور علیه کشورهای دیگر و یا تهدید آن‌ها به جنگ خودداری نمایند. شرط ورود به سازمان ملل متحد، صلح‌خواهی و جنگ طلب نبودن هر داوطلب اعلام شد و همه این‌ها، با هدف اصلی سازمان ملل متحد، یعنی محدود کردن سلاح‌ها و، سرانجام، خلع سلاح عمومی، سازگار است.

هم‌زمان با تشکیل سازمان ملل متحد، گروه حاکم بر امریکا، به سلاح دهشتناک اتمی دست یافتند، ولی وقتی که پایه‌های سازمان ملل متحد گذاشته می‌شد، منشور آن، در دست تهیه بود، کشورهای دیگر را از پیدایش بمب اتمی بی‌خبر گذاشتند. این وضع، بهانه‌ای به دست تحلیل‌گران غربی داد تا روحیه جنگ‌طلبانه محافل امپریالیستی را توجیه کنند و بکوشند تا، نقش سازمان ملل متحد را در سیاست جهانی، تنزل دهند. تحلیل‌گران، بر این مطلب تأکید می‌کردند که، گویا، منشور سازمان ملل متحد، «یک صورت جلسه بین‌المللی است که به قبل از دوران هسته‌ای مربوط می‌شود»^۱؛ که حتی «قبل از آن که به مرحله عمل درآید، کهنه شده است»^۲، که «در دود ناشی از انفجار هیروشیما بر باد رفت»^۳، که اصول توافق شده در سال ۱۹۴۵، «به ارزیابی تازه‌ای نیاز دارد»^۴ و که اگر امکان بمب هسته‌ای پیش‌بینی می‌شد، منشور سازمان ملل متحد «به نحو دیگری که واقعی تر باشد، نوشته می‌شد»^۵. در محافل سازمان ملل متحد هم، از تکرار این مطالب دست برنمی‌داشتند که، پیدایش سلاح هسته‌ای، به دکتترین تازه‌ای برای امنیت نیاز دارد، چیزی که «در منشور سازمان ملل متحد، به حساب نیامده است»^۶.

و اکنون سازمان ملل متحد، بعد از گذشت چهار

1. Vandenbosch, W. Hogan- The United Nations. New York, 1925, p. 225.

2. F. Wilcox, C. Marcy. Proposals for Changes in the United Nations, Washington, 1955, p. 462.

3. D. Cheever, F. Haviland, Organizing for Peace. Boston, 1954, p. 489.

4. F. Wilcox, C. Marcy. Op. cit, p. 463.

5. R. Russel. The United Nations and the United States Security Policy. Washington. 1968, p. 48.

۶- سند ۳۹/۱ A سازمان ملل متحد، صفحه ۱.

دهه، تجربه های فراوانی را پشت سر گذاشته است: منشور سازمان ملل هیچ نقصی نداشت و کاملاً سازگار با سده هاسته ای از آب درآمد و، براساس همین منشور، توانست به مساله های مربوط به بمب اتمی و مساله پیش گیری از جنگ هسته ای بپردازد.

نخستین رای سیاسی سازمان ملل متحد، به قطع نامه ای در مجمع عمومی بود که، در آن، از عضوهای خود طلب می کرد: «سلاح هسته ای را از سلاح های ملی خود حذف کنند». و از آن تاریخ به بعد، علی رغم مخالفت دایمی امریکا، که می خواست از سلاح هسته ای به عنوان یک حربۀ سیاسی استفاده کند، مجمع عمومی قطع نامه های بسیاری درباره منع استفاده از سلاح هسته ای را تصویب کرد. از آن جمله، می توان از بیانیه منع سلاح هسته ای و گرما هسته ای (سال ۱۹۶۱) و قطع نامه مربوط به «عدم استفاده از زور در روابط بین المللی و منع همیشگی سلاح هسته ای» (سال ۱۹۷۲)، نام برد. در سال های اخیر، با پیشنهاد اتحاد شوروی، دو سند بسیار مهم در سازمان ملل متحد، به تصویب رسید: بیانیه مربوط به پیش گیری از فاجعه هسته ای (سال ۱۹۸۱) و قطع نامه مربوط به «محکوم کردن جنگ هسته ای» (سال ۱۹۸۳). در بیانیه، به خصوص تاکید می شود، دولتی که برای نخستین بار به سلاح هسته ای متوسل شود «جنایتی عظیم را علیه بشریت» انجام داده است. در سند دوم، جنگ هسته ای به عنوان «عملی برخلاف وجدان و عقل انسانی و همچون جنایتی وحشتناک علیه ملت ها» ارزیابی شده است. تصمیم های سازمان ملل، به عنوان عاجل ترین مساله روز، مورد تأیید بین المللی قرار گرفت و، به دنبال آن، در چهارمین اجلاس مجمع عمومی، توصیه شد که، مذاکرات خلع سلاح ادامه یابد و قراردادی، در این باره، منعقد شود.

تجربه سال های اخیر نشان داد که، با تکیه بر منشور سازمان ملل متحد، می توان اقدام های مشخصی در جهت مبارزه با خطر جنگ هسته ای انجام داد. گواه براین مطلب، قطع نامه ۲۵۵ شورای امنیت (سال

۱۹۶۸) است که، امنیت کشورهای غیرهسته ای را، در رابطه با قرارداد عدم گسترش سلاح های هسته ای، تضمین می کند. در این سند، بر خطر فوق العاده «تجاوز به کمک سلاح هسته ای»، به خصوص علیه کشورهایی که دارای این سلاح نیستند، تاکید شده است. شوروی، امریکا و انگلستان متعهد شدند که، «اگر کشوری که به قرارداد منع گسترش سلاح های هسته ای پیوسته است، مورد تجاوز یا تهدید به تجاوز با سلاح های هسته ای قرار گیرد، بی درنگ به یاری او بشتابند».

منشور سازمان ملل متحد، نقطه آغازی بود، برای ابتکارهای بزرگی که در جهت حل مساله های مربوط به نجات بشریت از فاجعه هسته ای انجام می گرفت. فعالیت های سازمان ملل متحد، همیشه در جهت عدم تایید سلاح های هسته ای بوده است. در یکی از نشست های مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۲، رسماً اعلام شد که، اتحاد شوروی خود را متعهد می داند که، هرگز و در هیچ موردی، آغازگر استفاده از سلاح های هسته ای نباشد؛ علاوه بر شوروی، چین هم تعهد خود را در این باره اعلام کرد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در قطع نامه های خود، از این تعهدها استقبال کرد. در قطع نامه ۳۷/۸۰ گفته می شود: «اگر همه دولت های دارای سلاح هسته ای، متعهد شوند که آغازگر جنگ هسته ای نباشند، به خودی خود، به معنای منع استفاده از سلاح هسته ای علیه همه کشورها خواهد بود...». در اجلاس های سی و نهم و چهلم مجمع عمومی، باز هم از سایر کشورهای دارای سلاح هسته ای، دعوت شد تا به این تعهد پیوندند. در قطع نامه ۴۰/۱۵۲۸ گفته می شود که، باید در کنفرانس مربوط به خلع سلاح، یک سند بین المللی تهیه شود که همگان را، در این باره، متعهد کند.

با آن که محافل اجتماعی کشورهای ناتو (که ضربه اول هسته ای را، به عنوان استراتژی خود پذیرفته است)، روز به روز بیشتر درک می کنند که، ضربه اول، به هیچ وجه نمی تواند مانع از بروز فاجعه برای خود آن ها بشود، دولت های غربی، لاجوجانه، در برابر پیوستن به چنین

تعهدی، مقاومت می‌کنند.

پایان سال‌های ۷۰ و آغاز سال‌های ۸۰، اوضاع بین‌المللی روبه‌وخامت رفت، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به کرات، به اقدام‌های مختلفی، در جهت خلع سلاح هسته‌ای، دست زد و مصرا نه بر تصمیم‌های قبلی خود، مبنی بر «تابودی کامل سلاح‌های هسته‌ای» تاکید کرد.

در یکی از قطع‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد گفته می‌شود: «یکی از کشورهای دارای سلاح هسته‌ای، به طوریک جانب، از هرگونه انفجار هسته‌ای، از ۶ اوت سال ۱۹۸۵، خودداری کرده است» و این، اشاره‌ای بود به خودداری اتحاد شوروی، از هرگونه آزمایش هسته‌ای. در قطع‌نامه، از سایر دولت‌های هسته‌ای خواسته شده است که، آن‌ها هم، به این ابتکار بپیوندند. ولی، عکس‌العمل منفی امریکا نشان داد که، طرف امریکایی، نه تنها به توصیه‌های سازمان‌های معتبر بین‌المللی، بلکه به سرنوشت ملت‌ها و، از آن جمله ملت خود، بی‌اعتناست.

در سی و نهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطع‌نامه‌ای به تصویب رسید که، کشاندن مسابقه تسلیحاتی به فضا را، مجاز نمی‌داند. در اجلاس چهارم، در قطع‌نامه ۴۰/۸۷، از همه دولت‌هایی که ظرفیت فعالیت کیهانی دارند، دعوت شد تا از گسترش مسابقه تسلیحاتی به فضای کیهانی جلوگیری کنند؛ از آن‌ها خواسته شد تا به مذاکره بپردازند و، برای منع هرگونه فعالیت نظامی در فضای کیهانی، قراردادی منعقد کنند. نتیجه رای گیری به این قطع‌نامه، فوق‌العاده آموزنده است، از ۱۵۱ کشور، حتی یک کشور هم رای مخالف نداد، تنها امریکا و گرانا دا — که استقلال آن به وسیله امریکا پایمال شده است — از دادن رای خودداری کردند.

امریکا، بارها و بارها فشارهای اقتصادی و سیاسی خود را، چه بر اعضای سازمان ملل متحد و چه بر خود آن سازمان، اعمال کرده است. در روزهای چهارمین سالگرد موجودیت سازمان ملل، امریکا تهدید کرد که، اگر تصویب‌نامه‌های سازمان ملل برخلاف منافع آن

افراد باصلاحیتی در مساله‌های مربوط به امنیت امریکا و متحدان آن، همچون م. باندی، د. گه‌نان، ر. ماکنامارا و ج. سمیت، حتی در سال ۱۹۵۲، در مقاله «سلاح هسته‌ای و اتحادیه آتلانتیک» نوشتند که، مطالعه دقیق مساله «ما را به این نتیجه جدی می‌رساند که زمان آن فرارسیده است تا سیاست عدم استفاده از ضربه اول سلاح هسته‌ای را بپذیریم».

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، از آغاز سال‌های ۸۰، اختصاصاً به مساله «پیش‌گیری از جنگ هسته‌ای» پرداخته است. در تصمیم‌هایی که، در این مورد، اتخاذ شده، پیش‌گیری از جنگ هسته‌ای، به عنوان «حادثه‌ترین و مبرم‌ترین مساله زمان ما» توصیف می‌شود. هر سال، از طرف سازمان ملل متحد، به کنفرانس خلع سلاح (که تا سال ۱۹۸۴، کمیته خلع سلاح نامیده می‌شد) توصیه می‌شود که به مذاکرات مربوط به خلع سلاح و به پیدا کردن تدبیرهای عملی در زمینه پیش‌گیری از جنگ هسته‌ای، حق تقدم داده شود. ولی به علت مخالفت امریکا و هم‌پیمانان او، هنوز پیشرفتی در این مورد، حاصل نشده است.

ولی، نیروی بالقوه سازمان ملل متحد، در این باره، پایان‌ناپذیر است. گواه بر این مطلب، توافق بین شوروی و امریکا، درباره پیش‌گیری از جنگ هسته‌ای است که در سال ۱۹۷۶ به امضا رسید و در مقدمه آن گفته می‌شود که، منشور سازمان ملل متحد، هر دو دولت را متعهد می‌کند تا «امکان بروز جنگ هسته‌ای را بین خود و بین هر یک از دو طرف با کشورهای دیگر، از بین ببرند». این توافق‌نامه، همچنین، دو کشور را متعهد می‌کند که، در صورت بروز خطر جنگ هسته‌ای، باید شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل متحد را، آگاه سازند.

این حقیقت، همچنان به قوت خود باقی است که، قطعی‌ترین شیوه‌از بین بردن خطر جنگ هسته‌ای، عبارت است از نابود کردن تمامی ابزارهای مربوط به آن، یعنی تحقق خلع سلاح هسته‌ای. وقتی که، در

باشد، از اول اکتبر سال ۱۹۸۶، میزان حق عضویت خود را در سازمان، کاهش خواهد داد. امریکا، قبل از آن، حق عضویت خود را در یونسکو - یکی از مراکز فرهنگی وابسته به سازمان ملل متحد، قطع کرده بود، البته، دولت محافظه کار انگلیس هم، پای خود را جای پای امریکا گذاشت.

با همه این ها، خود زندگی، به خلق های سراسر جهان، می آموزد که «در دنیای امروز، هیچ راه دیگری، جز قبول زندگی صلح آمیز وجود ندارد» [از قطع نامه ۴۰/۱۵۸ مجمع عمومی سازمان ملل متحد «در باره امنیت بین المللی»].



آینشتین و سیاستمداران امریکا

«دکتر آلبرت آینشتین، فیزیکدان مشهور، که اکنون ۷۵ سال دارد، طی نامه ای که به مجله «ویورتر» نوشته، اظهار داشته است که اگر می توانست زندگی نوینی داشته باشد، هرگز کوشش نمی کرد دانشمند یا محقق یا معلم باشد، بلکه ترجیح می داد لوله کش یا دست فروش باشد و، به این ترتیب تا اندازه ای، استقلالی را که در شرایط فعلی میسر است حفظ کند.

اخیراً، مجله «ویورتر»، از دکتر آینشتین تقاضا کرده بود که در باره اوضاع فعلی علوم در امریکا، مقاله ای تفسیری بنویسد و دکتر آینشتین، به جای آن مقاله، این نامه را فرستاده بود. طی این نامه، دکتر آینشتین با تحقیقاتی که از طرف کنگره امریکا در باره معتقدات سیاسی دانشمندان و مرئیان به عمل می آید، شدیداً مخالفت کرده است». [خواندنیها، شماره ۱۸ سال ۱۵، دوم آذر ۱۳۳۳].

گیاهی که به نور نیاز ندارد

در جزیره های باهاما، در عمق ۲۶۸ متری، نوع تازه ای از گیاهان آبی زیبایی را کشف کرده اند که قابلیت رشد در تاریکی تقریباً کامل را دارد. مقدار نوری که به این گیاهان می رسد، برابر است با ۰/۰۰۵٪ نور خورشید که بر سطح دریا می تابد.

زمین لرزه

در سال ۱۹۸۴ میلادی، روی هم ۴۷ زمین لرزه بزرگ (۶/۵ ریشتر و بیشتر) در جهان رخ داد که، روی هم رفته، ۷۷ کشته برجای گذاشت؛ و این، به طور نسبی، رقم کوچکی است. در ۱۹۸۳، ۷۰ زمین لرزه قوی رخ داد که تعداد قربانیان آن ۲۳۳۲ نفر بود. در سه ماهه اول سال ۱۹۸۵، ۱۷۹ نفر قربانی زمین لرزه شده اند.

ساعت مچی

ساعت مچی عمری نسبتاً کوتاه دارد و در اواخر جنگ جهانی اول مرسوم شد. تا آن زمان، ساعت را داخل کیسه کوچکی در جیب (و معمولاً جیب جلیقه) می گذاشتند و یا به وسیله زنجیر ظرفی به گردن آویزان می کردند. درست است که در حدود صد و پنجاه سال پیش، وقتی که استاد کاران می خواستند عدم دقت ساعت ها را با بکر بودن و ظریف بودن و زیبا بودن آن ها جبران کنند، گاهی ساعت های کوچک و ظریف زنانه را در دستبندهای گران قیمت جا می دادند، ولی این ها نمی توانستند مورد استفاده عموم قرار گیرند و تنها در جواهر فروشی ها، و آن هم به قیمت های گزاف، عرضه می شد. و به عنوان زینت، و نه وسیله ای برای شناخت زمان، مورد استفاده قرار می گرفت.

نام مخترع ساعت مچی، در تاریخ نمانده است. اویک سرباز گمنام بود که ساعت جیبی خود را، با محکم کردن تسمه باریکی به آن، برای بستن به میج خود آماده کرد؛ و جالب است که فرانسوی ها معتقدند که این سرباز فرانسوی بوده است و آلمانی ها، او را آلمانی می دانند. در سال ۱۹۱۸، ژان شاتنوی، ساعت ساز سوئسی، آغاز به ساختن تعداد کمی ساعت کرد که در دو طرف قاب آن ها، شکاف هایی برای نوار پهن چرمی و یا دستبند فلزی وجود داشت. ساعت های مچی، ابتدا بین ورزش کاران و، سپس، بین سایر مردم رواج پیدا کرد.